

... و اینک جنبش دانشجویی

فضا و طرح آکادمی در ایران از آغاز از سوی نخبگان سیاسی و بعضاً روشنفکران به آن تزریق شد. از سویی دیگر جوانی نهاد دانشگاه و تعداد کم دانشجویان مانع از آن شد تا دانشگاهی مستقل و آزاد شکل گیرد. و هرچه جلوتر می‌آییم با شکل‌گیری احزاب در دوره‌ی پس از رضاشاه، اگر ولایت نخبگان حکومتی گرفته شد، این ولایت به نخبگان حزبی سپرده شد و از این‌رو بیشتر اعتراض‌های دانشجویی در این دوره (تا کودتای ۳۲) از سوی احزاب خارج از دانشگاه به آن تزریق شده است و هیچ‌گاه در این دوره جنبش مستقل

دانشجویی شکل نگرفته است.

گسترش حوزه‌ی عمومی:

با آن که در یکی دو سال گذشته شاهد شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی به صورت حداقلی آن در دانشگاه بودیم، رویکرد سرکوب‌گرترنسان وقت، این حوزه را هرچه بیشتر در محاق روزمرگی و بی‌مایگی فرو برده است. از این‌رو ترس‌زدایی از سیاسی شدن حوزه‌ی عمومی در دانشگاه با سم‌پاشی‌های هر روزه از جمله اهدافی است که فعالان دانشجویی باید مدنظر قرار دهند تا با گسترش حوزه‌ی عمومی بتوانند فضای نقد و تحول را در دانشگاه فراهم کنند. همچنین ضعف نظری در جنبش دانشجویی در سال‌های اخیر بسیار مشهود بوده است، که در سطحی پایین‌تر موجب تضعیف بدنه‌ی دانشجویی و کاهش فعالیت‌های تشکلی‌های می‌شود. یکی از دلایل این تضعیف، عدم ارتباط دانشجویان فعال با دانشجویان جدیدالورود است. این انفصال زمانی تأثیر خود را بیش‌تر و بیش‌تر

کاغذ اخبار

* روز سه‌شنبه، ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ انتخابات شورای صنفی برگزار خواهد شد. نتایج این رای‌گیری، تا پایان همان روز اعلام می‌شود.

* پس از استعفاى دکتر جمشیدیها، دکتر مجید سرسنگی به عنوان معاون فرهنگی-اجتماعی دانشگاه تهران انتخاب شد. وی جز هیئت علمی دانشکده هنرهای زیبا است. مراسم تودیع و معارفه‌ی دکتر سرسنگی، روز سه‌شنبه اول اردیبهشت برگزار خواهد شد.

* درخواست مجوز برای برگزاری جلسه «نقد عملکرد یکساله شورای صنفی» به شورای فرهنگی دانشکده تقدیم شده است. در صورت تأیید مجوز این برنامه توسط شورای فرهنگی، جلسه‌ی نقد در تاریخ یکشنبه ششم اردیبهشت ماه در تالار مطهری برگزار می‌شود.

لطفا با دانشکده علوم اجتماعی مقایسه نکنید!



روزر

شماره دوازدهم/ فروردین ۱۳۹۴
صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
مدیرمسئول: فرهاد قربان زاده
سر دبیر: آرمینا رضانی
صفحه آرا: فرزاد نیک آیین/ صبورا سمنانیان

در مصاحبه ویرگول با مدیر کل امور فرهنگی دانشگاه تهران:

«همه‌ی دیدگاه‌ها و سلیقه‌ها در دانشگاه نشریه دارند»

در دو شماره‌ی گذشته‌ی نشریه سعی کردیم کمی بر سر مسائل مالی دانشکده تأمل کنیم و از خلال مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها نحوه‌ی اختصاص بودجه به دانشکده، اولویت‌بندی هزینه‌ها، مشکلات مالی انجمن‌های علمی و نشریات دانشکده و همچنین نحوه‌ی رسیدن بودجه‌ی مقرر را بررسی کنیم. در همین راستا و برای شفافیت بیش‌تر این موضوع و نحوه‌ی حمایت مسئولان دانشگاه به سراغ دکتر گل‌محمدی مدیر کل فرهنگی دانشگاه

و همچنین دبیر کمیته‌ی ناظر بر نشریات دانشجویی آمدیم و در زمان کوتاهی که در اختیار داشتیم مصاحبه‌ای را با ایشان انجام دادیم. یکی از نکات قابل توجه این مصاحبه، نظر ایشان در رابطه با روی کار آمدن کانون‌های فرهنگی در دانشکده‌ها است که در صورت مجوز گرفتن از اداره کل فرهنگی دانشگاه، دانشکده‌ها ملزم به اعطای مجوز فعالیت کانون در داخل دانشکده خواهند بود. متن کامل مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

■ با توجه به روی کار آمدن دولت جدید و تغییرات در وزارتخانه، سیاست‌های فرهنگی دانشگاه تا چه میزان تغییر کرده است؟

سیاست‌های کلی دانشگاه چیزی نیست که تغییر کند و تغییرات ممکن است در سلیقه‌های مدیران مسئول اتفاق بیفتد. سیاست‌های فرهنگی دانشگاه مبتنی بر اسناد بالادستی است که بخشی از آن توسط شورای انقلاب فرهنگی، بخشی توسط رهبر انقلاب و بخشی نیز توسط مجلس شورای اسلامی ابلاغ شده است. بنابراین به طور کلی حتی با توجه به تغییر دولت‌ها، سیاست‌های فرهنگی دست‌نخورده باقی می‌ماند ولی نوع نگاه و برداشتی که مدیران و مسئولان از آن دارند متفاوت است، که به طور طبیعی در اولویت‌بندی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های فرهنگی مؤثر خواهد بود. بدین ترتیب ما نیز در دانشگاه تهران با توجه به همان اسناد بالادستی و برنامه‌ی بلند مدت دانشگاه عمل می‌کنیم. اما همیشه تفاوت‌هایی در سلیقه‌های مدیران وجود دارد که امری

طبیعی است. به طور مثال در حوزه‌ی نشریات دانشگاهی آیین‌نامه‌ای از سال‌های دور وجود دارد و تغییری اساسی در آن داده نشده است. بعضی از افراد به این آیین‌نامه، کمی تنگ‌نظرانه نگاه می‌کنند و معتقد هستند هرگونه اشتباهی در نشریه تخلف محسوب می‌شود و باید طبق قانون با آن برخورد کرد. اما ممکن است افرادی دیگر معتقد باشند نشریات دانشگاهی توسط افرادی مدیریت می‌شوند که در حال تمرین و یادگیری امور روزنامه‌نگاری هستند. به این دلیل که دانشجویی فعال در نشریه سابقه بیست سال روزنامه‌نگاری حرفه‌ای ندارد که از همه‌ی قوانین و اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری اطلاع داشته باشد. در واقع دانشجویانی هستند که به دلیل علاقه، ذوق فعالیت و دغدغه، تصمیم به انتشار نشریه کرده‌اند و ممکن است در عمل اشتباهاتی نیز صورت گیرد که این امر بسیار متفاوت است با اشتباه کسی که به طور سازمان‌یافته با سی سال تجربه در حوزه‌ی روزنامه‌نگاری فعالیت می‌کند. در نظر بگیرید در یک نشریه‌ی دانشجویی نقدی برای یکی اساتید توسط یک دانشجو از سر

... و اینک

جنبش دانشجویی

سید کمال فراهانی

مشهور بودن و اسم و رسم دانشگاه تهران در کنار قطب علمی کشور بودن آن، به فعالیت‌های دانشجویان و تشکلی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در این نوشته‌ی کوتاه برآنیم در مورد جنبش و بدنه‌ی دانشجویی مباحثی را مطرح کنیم.

جنبش دانشجویی به مثابه‌ی جنبشی اجتماعی، پدیده‌ای مدرن است و به کوشش‌های جمعی کم‌تر سازمان‌یافته‌ی دانشجویان به منظور پیش‌برد نوعی دگرگونی و تغییر در جامعه یا تداوم وضعیتی تعریف می‌شود که معمولاً در جوامع توسعه‌یافته و یا بعضاً در حال توسعه نمود می‌یابد.

نارضایتی دانشجویان از فقدان فضای باز آکادمیک، ساختارهای دیوان‌سالار، نظام آموزشی دستوری و عدم استقلال دانشگاه منجر به اعتراض‌هایی می‌شود که طی آن دانشجو در ادامه‌ی راه خود، از طریق ارتباط‌گیری با دیگر نیروهای فعال اجتماعی و جریان‌های سیاسی به کل نظام سیاسی و اجتماعی کشور معترض می‌شود. به عنوان نمونه شورش‌های دانشگاه برکلی در ۱۹۶۴ با اعتراض به محدودیت‌های آزادی بیان در محیط دانشگاه آغاز و به مسئله‌ی هویت دانشگاه نوین و روابط آن با جامعه و جایگاه دانشجویان کشیده شد و در نهایت دانشجویان را نسبت به عدم استقلال دانشگاه در ارتباط با نظام سیاسی کشور معترض ساخت.

اما سابقه‌ی اعتراض‌های دانشجویی در ایران به همان سال‌های نخستین پس از تأسیس دانشگاه تهران در دوره‌ی پهلوی برمی‌گردد. اما این اعتراض‌ها تنها در دوره‌های زمانی کوتاهی شکل جنبش مستقل و دموکراتیک (و در معنای شکل جنبش دانشجویی) به خود گرفته است. که دلیل اصلی آن را شاید بتوان در نحوه‌ی شکل‌گیری نهاد دانشگاه در ایران جست‌وجو کرد.

دانشگاه در ایران، از نخستین مظاهر مدرنیزاسیون رضاشاهی با هدف حل راز عقب‌ماندگی از غرب توسط روشنفکران و نخبگان سیاسی به صورت برون‌زا و از بالا ساخته شد و کم‌تر فرصت یافت تا خود را به صورت درون‌زا باز تعریف کند. از این‌رو ساختار،

ادامه از صفحه ی اول

دلسوزی نوشته می‌شود. اگر کسی بخواهد قانونی نگاه کند این قضیه جرم محسوب می‌شود و آن استاد

برای تشکیل یک کانون و گرفتن مجوز آن باید به ما مراجعه شود نه دانشکده

می‌تواند به کمیته‌ی نشریات شکایت کند و برخورد با دانشجو صورت بگیرد. اما می‌شوداین‌گونه نگاه کرد که قبل از انجام شکایت، بنده که دبیر کمیته‌ی نظارت بر نشریات هستم هم با دانشجو و هم استاد صحبت کنم و اتفاق صورت گرفته را حل و فصل کنم. آن‌جا که عرض کردم تفاوت سلیقه‌ها منظورم همین است که نوع دیدگاه و برداشت افراد می‌تواند نتایج و تصمیمات متفاوتی نیز داشته باشد. به نظر من دانشگاه محل مشق کردن و تمرین دانشجویان است. و اگر چنین اتفاقی بیفتد می‌توان با دانشجو صحبت کرد و در شماره‌ی بعدی نشریه سوء تفاهم به وجود آمده را حل کرد و بسیاری از این دست شکایت‌ها مختومه اعلام شود. اما ممکن است در دوره‌های قبل مدیران نگاه سخت‌گیرانه‌ای به این قضایا داشتند و معتقد بودند وظیفه‌ی ما این است این موارد را پیگیری کنیم، حکم صادر کنیم، تعلیق و تعطیل کنیم و … . باید به اطلاع شما برسانم در حال حاضر در دانشگاه تهران ۳۸۰ نشریه در حوزه‌ی دانشجویی فعال است و در طول ۳ سالی که بنده این مسئولیت را بر عهده داشتم به جز یک یا دو مورد هیچ گونه لغو مجوز نشریه و برخورد این‌چنینی صورت نگرفته است. در آن یکی دو مورد نیز سعی شده است ابتدا با دانشجو بیرون از جلسه‌ی رسمی صحبت شود و درنهایت با سهل‌ترین نوع برخورد صورت گیرد.همچنین در حال حاضر با نگاهی به نشریات دانشجویی متوجه می‌شویدهمه‌ی دیدگاه‌ها و سلیقه‌ها در دانشگاه نشریه دارند و کسی نمی‌تواند بگوید برای گرفتن مجوز نشریه‌ای اقدام کردم و به مشکل خوردم و مجوز نگرفتم. یا این‌که فردی نیست که بگوید ما تماس گرفته‌ایم و نشریه‌ای را ملزم کرده‌ایم برای انتشار یا عدم انتشار مطلبی. بنابراین سعی بنده بر آزاد بودن نشریات دانشجویی در حوزه‌ی عمومی است.

■ **با توجه با صحبت‌های شما فکر می‌کنید تا چه میزان تشکل‌ها، انجمن‌های علمی و نشریات دانشگاهی از حمایت‌های شما آگاه و راضی هستند؟**

در دانشگاه تهران ۶۰۰ تشکل دانشجویی داریم که

درحوزه‌ی اجتماعی فعالیت می‌کنند و این جدا از ۴ تشکل سیاسی ما است. سعی کرده‌ایم هم با تشکل‌ها و هم با دست‌اندرکاران نشریه جلسات متعددی را بگذار کنیم. علاوه بر این ۷۵ کانون فرهنگی و ۱۷۰ انجمن علمی که در همه‌ی این تشکل‌ها بنای ما این است که برای دانشجویان میدانی برای مشارکت و فعالیت مهیا سازیم. ما در اداره کل فرهنگی به هیچ وجه خود را مجری فرض نمی‌کنیم و قرار بر این است که ما بسترها را برای فعالیت دانشجویان فراهم سازیم. زیرا اعتقاد ما بر این است که فضای فعالیت باید برای همه‌ی دانشجویان فراهم باشد و شعار ما این است که هر دانشجو می‌تواند یک نشریه داشته باشد، بر خلاف خیلی از دانشگاه‌های دیگر که ترسی دارند برای مجوز دادن به یک نشریه. به طور مثال هر انجمن علمی می‌تواند نشریه داشته باشد و اگر انجمن علمی به دنبال مجوز نشریه نیامد ما به آن‌ها اعلام می‌کنیم که باید برای دریافت مجوز اقدام کنند و همین طور

در سال گذشته ۱۳۰ میلیون تومان بودجه اختصاص داده شده بود که بین ۱۷۰ انجمن علمی تقسیم کردیم و سعی کردیم روند این تخصیص را تسهیل کنیم.

برای هر نوع فعالیت فرهنگی باید کانونی وجود داشته باشد. آن‌چه برای ما اهمیت دارد مشارکت و فعالیت دانشجویان در زمینه‌های مختلف است و اعتقاد ما بر این است که زمانی که دانشجویان فعالیت‌های خود را با شناسنامه انجام می‌دهند هم مایه‌ی رشد و شکوفایی خود می‌شوند و هم به مراتب آسیب کم‌تری خواهد داشت. چون اگر جلو تشکل‌ها و کانون‌ها گرفته شود این فعالیت‌ها به صورت زیرزمینی صورت می‌گیرد و حرف‌ها و نقطه نظراتی که می‌توانست در فضای رسمی گفته شود به نوعی دیگر مطرح می‌گردد که باعث مشکل هم برای دانشجو و هم دانشگاه می‌شود. پس ما وظیفه‌ی خود را حمایت از تشکل‌ها و نشریه‌های دانیم و به اندازه‌ی بودجه‌ی مشخص‌شده در آیین‌نامه‌ها کمک مالی به آن‌ها می‌کنیم. بودجه‌ی مشخص‌شده را در اختیار تشکل‌ها، کانون‌ها و نشریات قرار داده‌ایم و در جلسات مختلف با حضور نمایندگان آن‌ها تصمیم‌گیری‌هایی برای اختصاص بودجه صورت گرفته است.همچنین باید اضافه کنم در مواقعی که شکایت یا مشکلی از خارجدانشگاه برای هریک از تشکل‌ها، کانون‌ها یا نشریات پیش می‌آید ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم از آن‌ها حمایت کنیم و با در اختیار

گرفتن امکانات یا گرفتن وکیل آن مشکل را برطرف کنیم.

■ **در چند سال اخیر در دانشکده‌ی علوم اجتماعی، ما با انحلال کانون‌های فرهنگی مواجه بودیم و باتوجه به خواست و تلاش دانشجویان متأسفانه هنوز مجوز تشکیل کانون‌ها داده نشده است…**

در ابتدا باید این نکته را توضیح دهم که انحلال کانون‌ها به دو شکل صورت می‌گیرد. یا آن‌که خود اعضای فعال کانون درخواست عدم ادامه‌ی فعالیت و منحل شدن کانون را بدهند یا آن‌که کانون دچار تخلفی شود که برخورد با آن تخلف، منحل شدن کانون باشد و این امر از طریق ما یعنی اداره کل فرهنگی صورت می‌گیرد نه دانشکده‌ها. در طول این ۳ سال که بنده حضور داشتم تا کنون برای انحلال کانون اقدام نکردیم. نکته‌ی دوم این است که برای تشکیل یک کانون و گرفتن مجوز آن باید به ما مراجعه شود نه دانشکده. ولی چون در دانشکده‌ها باید امکانات در اختیار گذاشته شود هماهنگی و همراه بودن دانشکده‌ها امتیازی مثبت و خوب محسوب می‌شود. بنابراین اگر کسی برای گرفتن مجوز کانون اقدام کند و صلاحیت گرفتن مجوز را با توجه به قانون داشته باشد ما بدون توجه به این‌که دانشکده دوست دارد یا نه مجوز را برای کانون می‌دهیم. پس اولاً انحلال کانونی را من اطلاع ندارم و اگر صورت گرفته به ما بگویید چه زمانی و توسط چه کسی منحل شده است.دوماً برای گرفتن مجوز باید به ما مراجعه شود و با نظر کارشناس امور کانون ها در چارچوب ضوابط مجوز داده می‌شود و به دانشکده اعلام می‌کنیم این کانون می‌تواندفعالیت‌های خود را در دانشکده انجام دهد.

■ **پس اگر دانشکده‌ها دلایلی از قبیل کمبود فضا، عدم لزوم شکل‌گیری کانون یا غیره را مطرح کنند، با همکاری شما مشکل قابل حل است؟**

سعی ما بر این است که انجمن‌ها و نشریات راحت‌تر به بودجه‌ی تعیین شده در آیین‌نامه دست یابند.

بله. در واقع پیشنهاد من این است که دانشکده‌هایمی‌توانند یک کانون فرهنگی بزرگ داشته باشند و در دل آن کانون، هر کانونی با توجه به حوزه‌ی فعالیت خود یک دبیری داشته باشد و یک نفر از آن‌ها دبیر دبیران انتخاب شود برای پیگیری جلسات، ایجاد

هماهنگی‌های لازم و غیره. از سوی دیگر فلسفه‌ی فعالیت‌هایدانشجویی چیست؟ مشارکت دانشجویان برای فعالیت و یاد گرفتن کار جمعی. پس احتیاج به جمع شدن افراد و تعامل با یکدیگر است. هدف این است که این کانون‌ها تشکیل شوند، عضو گیری کنند واتاقی که دراختیارشان قرار داده می‌شود دائم محل رفت و آمدهایشان باشد. جلساتشان در آن‌جا برگزار شود و محلی باشد برای بحث‌ها و گفت‌وگوها.

■ **بحث بعدی در خصوص بودجه‌ی تشکل‌ها، انجمن‌ها و نشریات دانشگاهی است. لطفاً توضیحاتی درباره‌ی میزان بودجه‌ی آن‌ها و نحوه‌ی پرداخت بودجه بیان کنید.**

بودجه‌ی فعالیت‌های دانشجویی در واقع آن‌قدر قابل توجه نیست که همه‌ی آن‌چه را تشکل‌ها نیاز دارند بتوان تأمین کرد و موظف هستیم هرمقداری را که دریافت می‌کنیم بین تمامی تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات و درواقع فعالیت‌های دانشجویی تقسیم کنیم. دراین‌جا سؤالی را می‌خواهم مطرح کنم که آیا فعالیت

ده دقیقه‌ای از شروع کلاس گذشته که صدای وزوزی می‌آید. تا بیاییم سرمان را به دنبال منبع صدا بچرخانیم، استاد به یکی از دانشجویان می‌گوید: «اون کلید اولی از سمت چپ رو خاموش کن.» دانشجو همان کلیدی را که استاد آدرسش را دقیق داده بود، می‌زند؛ و صدا قطع می‌شود.حالا چراغ‌های جلوی کلاس، درست همان‌جایی که استاد نشسته، خاموش است. ساعت را نگاه می‌کنم، ده دقیقه از شروع کلاس گذشته است. یک ساعت و بیست دقیقه‌ی آینده را باید با همین نورپردازی مایه تیره و در یک کلاس نیمه‌روشن بگذرانیم. می‌گذرانیم.

این روزها همه به دنبال مطالبات بزرگ‌اند. نقد گروه‌های آموزشی! اصلاح سیستم! تغییر ساختار! زیر و رو کردنِ واحدهای درسی! تغییر رئیس! تنبیه مدیر! تأمین بودجه!

چندی است فضای دانشگاه تغییر کرده و مطالبات، کم و بیش شنیده می‌شود. اراده‌ها به کار افتاده و عزم‌ها جزم شده برای تغییر. برای اصلاحات و رسیدگی‌های «بزرگ»، «بنیادین» و «اساسی».همه‌ی این امور جای شکر دارد و البته که چنین فرصت‌هایی غنیمت است و در این شکی نیست. اما وقتی عادت می‌کنیم به تماشا و ترسیم افق‌های دور و آرمانی، جلوپایمان و اطرافمان را فراموش می‌کنیم. امور جزئی، مسائل خُرد و نقص‌های شاید ناچیز را نادیده می‌گیریم. این موضوع شامل حال همه‌ی دانشجویان نمی‌شود. به طور مثال دانشجوی ورودی در ابتدای تحصیلش به این نادیده گرفتن عادت نکرده است. ایرادهای جزئی

یک تشکل دانشجویی باید منوط به گرفتن بودجه باشد یا نه؟ این بحث اصلی میان ما و تشکل‌هاست. من معتقد هستم باید یکی از اهداف تشکل‌ها، نشریات و … بحث خودکفایی و کارآفرینی باشد. به طور مثال انجمن‌های علمی خود را اداره کنند و حتی درآمدزا نیز باشند. البته نمی‌خواهم از بودجه‌ی انجمن‌ها و یا نشریات گذر کنم ولی در واقعیت این بودجه کم و محدود است و کفاف‌گوی هزینه‌ها نیست.درباره‌ی بودجه‌ی انجمن‌های علمی که نسبت به سایر تشکل‌ها کمی قابل توجه است باید بگویم در سال گذشته ۱۳۰ میلیون تومان بودجه اختصاص داده شده بود که بین ۱۷۰ انجمن علمی تقسیم کردیم و سعی کردیم روند این تخصیص را تسهیل کنیم. بدین صورت که انجمن علمی طرح خود را در قالب پروپوزال به اطلاع ما می‌رساند و مقداری را که درخواست کرده‌اند با توجه به بودجه‌ی موجود به محض دریافت فاکتورها، در اختیارشان قرار می‌دهیم.

■ **ولی این روند مشکلی دارد که دانشجویان در**

عادت نکنیم صبورا سمنانیان

را می‌بیند. می‌بیند که کف سرویس‌های بهداشتی آب جمع می‌شود. مخزن مایع دستشویی برای روزها خالی می‌ماند و سطل‌های زباله در پایان روز تخلیه نشده است. می‌بیند که سیم اتصال به پروژکتور خراب است و مدام روند کلاس متوقف می‌شود. این‌ها و ده‌ها مورد جزئیِ دیگر را می‌بیند و احساس می‌کند به حضور و زیستِ او در دانشکده احترام گذاشته نمی‌شود. اما مرور زمان به او می‌فهماند که فضای دانشکده،مطالباتِ «بزرگ»، «ریشه‌دار» و «بنیادین» را به رسمیت می‌شناسد. در چنین فضایی، نه تنها به مسائل مذکور توجهی نمی‌شود، بلکه آن‌قدر هیاهوی اصلاحاتِ «بزرگ» بلند است که صدای مطالباتخُرد به گوش هیچ‌کسمنمی‌رسد؛ البته اگر دانشجویی جرئت کند و هزینه‌ی برجسبِ «سطحی بودن» و «کوته‌فکر بودن» را به جان بخرد و چنین مطالباتی را در حوزه‌ی عمومی مطرح کند.

فضای دانشکده هر چه باشد، واقعیت این است که پرداختن به مسائل خرد و نقص‌های جزئی، نشانه‌ی دقت و هوشیاری دانشجو است. دانشجویی که نه مطالبات بزرگ و بنیادین خود را فدای مسائل خرد

ابتدا باید پول برنامه‌ها را از جیب خودشان خرج کنند و اگر نتوانند برنامه برگزار نمی‌شود.

بله! متأسفانه این مشکل وجود دارد ولی مقصر دانشکده‌ها یا دانشگاه‌ها نیستند و سیستم حسابداری و حسابرسی بدین شکل است که این روند باید طی شود. اما در دانشگاه به دلیل این‌که تشکل‌ها وقت و زمان این رفت‌آمدها را ندارند که برای مثال پیش فاکتور را برای ما بیاورند، مشکلاتی به وجود می‌آید. اما در جلسه‌ای با دکتر نیلی بحث آن را مطرح کردیم قرار شد انجمن‌های علمی یک راهی را ارائه دهند و به تصویب هیئت رئیسه برسد که ما اجازه داشته باشیم بودجه‌ی انجمن‌های علمی را قبل از اجرای فعالیت‌هایشان به آن‌ها بدهیم و بعد از برگزاری برنامه فاکتور را دریافت کنیم. با وجود این‌که این طرح هم مشکلاتی دارد ولی سعی ما این است که انجمن‌ها و نشریات راحت‌تر به بودجه‌ی تعیین‌شده در آیین‌نامه‌ها دست یابند.

می‌کند و نه به بهانه‌ی پیگیری‌های سطح بالا، ایرادهای کوچک- ولی مهم و مؤثر- را به حال خود می‌گذارد. مواجهه‌ی هرروزه‌ی ما با این نقص‌های ریز و درشت، به شدت بر تصویری که از دانشکده و مدیریت آن به طور ناخودآگاه در ذهنمان شکل می‌گیرد، مؤثر است. به عنوان مثال هرباری که به کتابخانه و خصوصاً طبقه‌ی بالای آن مراجعه می‌کنیم و با شیشه‌های خاک که نه، جرم گرفته و کدر آن روبه‌رو می‌شویم، هر دفعه که با کوهمیز و صندلی‌های اوراقی پشت دانشکده مواجه می‌شویم، هر بار که از کنار نیمکتِ شکسته و بلااستفاده‌ی حیاط می‌گذریم، گزاره‌ی بی‌اعتنایی مسئولان دانشکده به فضای عمومی، در ذهنمان قوت بیش‌تریمی‌گیرد. نکته‌ی مهم و قابل ذکر این است که چنین نقائصی، نه ناشی از کمبود همیشگی بودجه است و نه از ساختِ قدیمی و هزینه‌زای دانشکده نشأت می‌گیرد.

توجه و اعتنای مدیریت به مسائلی که تنها تعدادی از آن جهت تقریب به ذهن ذکر شد، یکی از ساده‌ترین و بدبیهی‌ترین راه‌های جلب رضایت اهالی دانشکده است. چرا که دانشجو احساس می‌کند به او و حضور هرروزه و طولانی مدت‌اش در دانشکده احترام گذاشته می‌شود. از سوی دیگر، بی‌اعتنایی و سستی در چنین رسیدگی‌هایی، تصویرشایسته‌ای از مدیریت در ذهن دانشجویان ترسیم نمی‌کند.

حال که شورای صنفی عزم خود را برای رسیدگی به هر دو دسته مطالبات خرد و کلان دانشجویان جزم کرده است، وظیفه‌ی ما تا نزدیک شدن به شرایط مطلوب تنها یک چیز است: عادت نکنیم و بی‌اعتنا نباشیم تا نگذاریم مسئولان نیز بی‌اعتنا باشند.